

Research Paper

Analysis of US Strategic Documents (National Security Strategy, National Defense Strategy, and National Military Strategy)



Majid Yousefi¹ , *Rahman Habibi²

1. Assistant Professor of Aviation Department, Faculty of Flight, Shahid Sattari Aeronautical University, Tehran, Iran.

2. Department of Regional and Global Studies, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Yousefi M, Habibi R. (2022). [Analysis of US Strategic Documents (National Security Strategy, National Defense Strategy, and National Military Strategy) (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*; 11(41), 92-115



Received: 28 May 2021

Accepted: 01 Aug 2021

Available Online: 01 Feb 2022

Keywords:

The United States, Strategic Documents, Strategic Perspective, Targeting and Orientation

ABSTRACT

Given that the goals and actions of the US, directly and indirectly, affect Iran's interests, it is necessary to review the strategic documents and understand the perceptions of this actor. Therefore, the research question is, how is the content of the strategic documents of the US? The nature of this descriptive-analytical research is from type a qualitative case study and the method of qualitative content analysis has been used to investigate the subject. The statistical population of this project is the recent strategic documents of the US. To investigate this issue, an attempt has been made to extract basic concepts from the existing literature and strategic documents. The five main categories used in this study include "Strategic Perspective", "Interests and Objectives", "Threats", "Tools" and "Methods of Action", and the number of sub-categories 14 and sub-categories of level two 58 is the case. Findings from a review of US strategic documents show that this actor sees the world as highly competitive. The US focus is on "improving diplomatic capabilities and role-playing by emphasizing the sharing the burden of responsibility" and "improving military capability and military cooperation" in threats of "military- below-conventional threat and non-military- violent and non-violent threat" in tools to "military and diplomatic tools," and in how to use the tools, is in the approach to "preparation and Induce" and in methods of action "unilateralism or false multilateralism".

* Corresponding Author:

Rahman Habibi

Address: Department of Regional and Global Studies, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

E-mail: r.habibi7234@gmail.com

مقاله پژوهشی تحلیل اسناد راهبردی آمریکا (استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و استراتژی نظامی ملی)

مجید یوسفی^۱، *رحمان حبیبی^۲

۱. استادیار گروه هوانوردی، دانشکده پرواز، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.
۲. گروه مطالعات منطقه‌ای و جهانی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

دولت‌ها با انتشار اسناد راهبردی تلاش می‌کنند تا توضیح دهند که جایگاه کشور در دنیا از نگاه آن‌ها چگونه است و با چه ابزاری به دنبال دستیابی به آن اهداف هستند. با توجه به آنکه اهداف و اقدامات آمریکا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منافع ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بررسی اسناد راهبردی و فهم ادراکات این کشور ضروری است؛ بنابراین سؤال تحقیق آن است که محتوای اسناد راهبردی آمریکا چگونه است؟ ماهیت این تحقیق، توصیفی تحلیلی از نوع مطالعه موردی کیفی است و از روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی برای بررسی موضوع مدنظر استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش اسناد راهبردی اخیر این بازیگر است. برای بررسی این موضوع سعی شده است که مفاهیم اساسی از ادبیات موجود و اسناد راهبردی استخراج شود. پنج مقوله اصلی که در این بررسی استفاده شده‌اند، شامل «دیدگاه استراتژیک»، «اهداف و منافع»، «تهدیدات»، «ابزارها» و «روش‌های اقدام» هستند و تعداد زیرمقوله‌های فرعی ۱۴ و زیرمقوله‌های فرعی سطح دو نیز ۵۸ مورد هستند. یافته‌های حاصل از بررسی اسناد راهبردی آمریکا نشان می‌دهد که این بازیگر، جهان را به شدت رقابتی می‌بیند. تمرکز آمریکا بر اهداف به «بهبود توانایی و نقش آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت» و «بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی» در تهدیدات به «نظامی پایین‌تر از حد متعارف و غیرنظامی خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز»، در ابزارها به «ابزار نظامی و دیپلماسی» و در روش‌های به‌کارگیری از ابزارها نیز در رویکرد به «آمادگی و ترغیب کردن» و در شیوه اقدام به «یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی دروغین» است.

تاریخ دریافت: ۰۷ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

آمریکا، اسناد راهبردی، دیدگاه‌ها، هدف‌گذاری و جهت‌گیری‌ها

* نویسنده مسئول:

رحمان حبیبی

نشانی: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، گروه مطالعات منطقه‌ای و جهانی، پست الکترونیکی: r.habibi7234@gmail.com

مقدمه

بدین ترتیب از آنجا که این اسناد راهبردی، بینشی در مورد چگونگی درک رهبران از تهدیدات و چگونگی تصور سیاست‌گذاران امنیتی و نظامی از آینده درگیری‌ها ارائه می‌دهند، می‌تواند برای تصمیم‌گیرندگان امنیتی و نظامی ایران برای درک وضعیت فعلی دکترین و استراتژی و همچنین ارزیابی اهداف و توانایی‌های آن‌ها مفید باشد.

در این تحقیق سعی می‌شود که دیدگاه استراتژیک آمریکا در ارتباط با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، جایگاه آن در نظم جهانی و منطقه‌ای، اهداف و تمایلاتی که برای خود تعریف کرده است، مشخص شود و در کنار آن، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌هایی که این بازیگر برای دستیابی به اهداف خودش در اسناد راهبردی تعیین کرده است نیز شناسایی می‌شود. این موضوعات با هدف درک چگونگی تصور بازیگران مذکور از جهان و چگونگی رفتار آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. پس بررسی اسناد راهبردی آمریکا (استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و استراتژی نظامی) از دغدغه‌های اصلی این تحقیق محسوب می‌شود.

بنابراین بعد از مقدمه، ابتدا مبانی نظری تحقیق بررسی شده و سپس به روش‌شناسی این تحقیق که ماهیت توصیفی تحلیلی دارد و از روش تحلیل محتوای کیفی بهره می‌برد، اشاره می‌شود. در گام بعدی، با توجه به مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده از ادبیات تحقیق و اسناد راهبردی آمریکا، فرایند تجزیه و تحلیل این اسناد انجام می‌شود. نهایتاً در بخش آخر جمع‌بندی از یافته‌های تحقیق صورت می‌گیرد و متناسب با این یافته‌ها، پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی و نظامی ارائه می‌شود.

پایان جنگ سرد، راه را برای هژمونی غربی و گسترش جهانی ارزش‌های لیبرال هموار کرد، اما نظم جدید بین‌المللی به راحتی مورد پذیرش کشورها قرار نگرفت. بازگشت رقابت‌های ژئوپلیتیک در امتداد مکتب واقع‌گرایی روابط بین‌الملل به عنوان یکی از مسیرهای جایگزین برای مخالفت با نظم جدید در نظر گرفته شد. در این خط فکری، عوامل جغرافیایی، به‌ویژه کنترل برخی از سرزمین‌ها، مسیرها و منابع، دغدغه اصلی بازیگران را تشکیل می‌دهد.

از آنجا که دولت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی خود هستند، رقابت و منازعه بین آن‌ها بر سر حوزه‌های نفوذ نیز امری اجتناب‌ناپذیر است و این امر در چارچوب مکتب واقع‌گرایی قرار می‌گیرد که بر اساس آن، خصومت و رقابت با حاصل جمع صفر بین قدرت‌های بزرگ، ویژگی ذاتی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد (Waltz, 1979: 118).

از آنجا که سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا می‌تواند بر نظام امنیت منطقه‌ای و جهانی و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی ایران تأثیر بگذارد؛ بنابراین باید درک درستی از مؤلفه‌ها و ساختارهای راهبردی امنیت ملی این کشور صورت گیرد تا راهبردهای لازم برای مقابله با خطرات احتمالی پیش‌بینی شود. به نظر می‌رسد که بهترین راه برای شناسایی سیاست‌های این بازیگر، مراجعه به جدیدترین اسناد راهبردی آن است، چراکه اسناد استراتژی امنیت ملی، دفاعی و نظامی به عنوان مهم‌ترین اسناد بالادستی این کشور محسوب می‌شود و جهان‌بینی و نقشه راه آمریکا را در عرصه مطالبات ملی و به‌ویژه بین‌المللی به نمایش می‌گذارد.

جدول ۱. تاریخچه اسناد راهبردی آمریکا

استراتژی امنیت ملی	استراتژی دفاعی ملی	استراتژی نظامی ملی
۱۹۸۷-۱۹۸۸-۱۹۹۰-۱۹۹۱-۱۹۹۳-۱۹۹۴	۲۰۰۵-۲۰۰۸-۲۰۱۲-۲۰۱۸	۱۹۹۲-۱۹۹۵-۱۹۹۷-۲۰۰۴-۲۰۰۶
۱۹۹۵-۱۹۹۶-۱۹۹۷-۱۹۹۸-۱۹۹۹-۲۰۰۰		۲۰۱۱-۲۰۱۵-۲۰۱۸
۲۰۰۲-۲۰۰۶-۲۰۱۰-۲۰۱۵-۲۰۱۷		

Source: Nssarchive.us, ۲۰۲۱

۱. ادبیات موضوع

یا جهت‌گیری استراتژیک دولت در قدرت را نشان می‌دهد. این سند اهداف را مشخص می‌کند و تمام عناصر قدرت ملی را دربر می‌گیرد. این سند امنیتی همچنین به عنوان یک «چتر» برای هدایت تعدادی دیگری از اسناد استراتژیک مربوط به امنیت ملی، مانند برآورد دفاعی چهارساله، استراتژی دفاع ملی، استراتژی نظامی ملی و استراتژی‌های مربوط به امنیت ملی تهیه‌شده توسط سایر دپارتمان‌ها و آژانس‌های دولت آمریکا به کار می‌رود (Dale, 2008: 14-15).

روند تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا گسترده است و علاوه بر کاخ سفید و وزارت دفاع، وزارت امور خارجه، وزارت امنیت داخلی، وزارت انرژی، وزارت بازرگانی، وزارت بهداشت و کنگره نیز در تدوین آن دخالت می‌کنند. شورای امنیت ملی آمریکا وظیفه مدیریت و هدایت این طیف گسترده از بازیگران را بر عهده دارد (Cancian et al, 2017: 11-12).

در سال ۲۰۱۷ دولت ترامپ استراتژی امنیت ملی خود را منتشر کرد. تدوین‌کنندگان این سند مک‌مستر^۲، دینا پاول^۳، نادیا شادلو^۴ و سث سنتر^۵ هستند. اینها با دو دسته مشکلات عمده مواجه بودند: یکی مربوط به تردید در مورد چگونگی هماهنگی بین ادارات و سازمان‌ها در طی تدوین استراتژی امنیت

اسناد مرتبط با موضوعات امنیتی، اطلاعاتی و نظامی در آمریکا را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. اسناد اصلی و راهبردی که طبق قانون باید تهیه شود و تدوین آن‌ها ضروری است، مثل استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی، استراتژی نظامی و استراتژی برآورد دفاعی چهارساله^۲. اسناد فرعی که الزامی برای تهیه آن‌ها وجود ندارد و عمدتاً شامل استراتژی ملی امنیت داخلی، استراتژی ملی مبارزه با تروریسم، استراتژی اطلاعات ملی، برآورد امنیت داخلی چهارساله و برآورد جامعه اطلاعاتی چهارساله می‌شود (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵). در جدول شماره ۱ ترتیب انتشار اسناد راهبردی آمریکا مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱-۱. استراتژی امنیت ملی

استراتژی امنیت ملی به عنوان بالاترین سطح سند استراتژی ملی در آمریکا در نظر گرفته شده است. طبق قانون گلدواتر نیکولز^۱ (۱۹۸۶) رئیس‌جمهور باید استراتژی امنیت ملی را سالانه به کنگره ارائه دهد و این سند باید در ۱۵۰ روز اول دولت جدید منتشر شود (کاردان، ۱۳۹۰: ۳۱).

استراتژی امنیت ملی آمریکا چشم‌انداز استراتژیک

1. Goldwater-Nichols

2. McMaster
3. Dina Powell
4. Nadia Schadow
5. Seth Center

دفاعی چهارساله یک سند طبقه‌بندی شده است و عمدتاً شامل بررسی قانونی از استراتژی و اولویت‌های وزارت دفاع آمریکا، ارزیابی تهدیدات و چالش‌های کشور و همچنین تجدید حیات استراتژی‌ها و توانایی نیروهای وزارت دفاع است. به همین دلیل سند طبقه‌بندی نشده استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸ آمریکا جایگزین برآورد دفاعی چهارساله ۲۰۱۸ شد (U.S. DOD, 2019).

دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ استراتژی دفاع ملی را منتشر کرد و این سند دیدگاه آمریکا را در مورد محیط استراتژیک، اهداف وزارت دفاع و رویکرد استراتژیک نشان می‌دهد. این سند نیز همانند استراتژی امنیتی ۲۰۱۷ به ضعف بنیه استراتژیک و نظامی آمریکا اشاره دارد و چین را به عنوان رقیب استراتژیک آمریکا می‌بیند. در این سند آمده است که چالش حیاتی برای کامیابی و امنیت آمریکا، ظهور مجدد رقابت استراتژیک بلندمدت همانند آنچه در استراتژی امنیتی ۲۰۱۷ به عنوان قدرت‌های تجدیدنظرطلب طبقه‌بندی شده‌اند، وجود دارد.

از نظر این سند قدرت‌های تجدیدنظرطلب و رژیم‌های سرکش در همه ابعاد قدرت رقابت می‌کنند، به طوری که چین و روسیه به دنبال نوسازی برنامه نظامی و ایجاد جهانی سازگار با مدل استبدادی خودشان هستند و رژیم‌های سرکش همچون کره شمالی و ایران با پیگیری تسلیحات هسته‌ای و حمایت از تروریسم در حال بی‌ثبات کردن مناطقی از جهان هستند (United States' NDS, 2018: 1-3).

به همین دلیل گزارش کمیسیون استراتژی دفاع ملی نیز همانند سند ۲۰۱۸ به پیشرفت‌های سریع و قابل ملاحظه در توانایی‌ها آمریکا برای پاسخ‌گویی

ملی و دیگری مربوط به منابع کم برای تدوین این سند بود، چون هیچ سند یا سخنرانی‌ای از طرف ترامپ در این زمینه وجود نداشت و صرفاً برداشت بسیار کلی و تاریکی از دیدگاه ترامپ در مورد امنیت ملی وجود داشت (Encina, 2018: 4).

این سند مشتمل بر چهار رکن ۱. محافظت کردن از سرزمین، حاکمیت و شیوه زندگی آمریکایی، ۲. تقویت کامیابی و رفاه کشور، ۳. حفظ صلح از طریق قدرت ۴. تقویت نفوذ آمریکا در جهان است. این سند با تأکید بر استراتژی «اول آمریکا» به موضوعات کاهش قدرت نظامی و قدرت اقتصادی در رقابت‌های ژئوپلیتیکی، جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی به آمریکا و همچنین مقابله با تهدیدات چین، روسیه، کره شمالی و ایران اشاره داشته است (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۳۶-۱۳۵).

۱-۲. استراتژی دفاع ملی

در زمان کلینتون «قانون اختیارات دفاع ملی» در سال ۱۹۹۷ و اصلاحیه آن در سال ۲۰۰۰، وزیر دفاع را هر چهار سال یک‌بار ملزم به ارائه گزارش «برآورد دفاعی چهارساله» به کنگره کرده است. برآورد دفاعی چهارساله خود یک فرایند بررسی است که باید در طول سال اول هر دوره ریاست جمهوری انجام شود. این فرایند برای «تعیین استراتژی دفاع ملی» مطابق با جدیدترین استراتژی امنیت ملی لازم است و باید توسط وزیر دفاع امضا شود.

گزارش برآورد دفاعی چهارساله یک بحث جامع در مورد استراتژی دفاعی آمریکاست؛ بنابراین استراتژی دفاع ملی آمریکا وظایف مجزایی ندارد و این استراتژی همان مباحث مربوط به شیوه‌ها و روش‌ها را دربر می‌گیرد (Dale, 2013: 3-8). در سال ۲۰۱۹ وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که برآورد

به چالش‌های نظامی تشدید شده تأکید کرده است (U.S. National Defense Strategy Commission, 2018: vi).

۱-۳. استراتژی نظامی ملی

در زمان جنگ سرد استراتژی نظامی آمریکا به شکل طبقه‌بندی شده توسط ستاد مشترک نیروهای مسلح در چارچوب «سیستم برنامه‌ریزی استراتژیک مشترک» و از سوی وزیر دفاع در گزارش سالانه به رئیس‌جمهور و کنگره ارائه می‌شد، اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیاز به یک استراتژی نظامی متفاوت و غیرمحرمانه احساس شد، به این دلیل که هم استراتژی نظامی با شرایط جدید تطابق داشته باشد و هم اینکه ارتباط مؤثرتر مردمی به وجود آورد.

بنابراین در اوایل دهه ۱۹۹۰، کنگره یک الزام موقت در مورد استراتژی نظامی ملی تصویب کرد. بر اساس این الزام استراتژی نظامی ملی می‌بایستی مطابق با جدیدترین استراتژی دفاع ملی و جدیدترین برآورد دفاعی چهارساله و همچنین مطابق با «سایر رهنمودهای استراتژیک امنیت ملی یا دفاعی صادر شده توسط رئیس‌جمهور یا وزیر دفاع» باشد (کاردان، ۱۳۹۰: ب: ۳۳۰-۳۲۸).

نهایتاً با اصلاح قانون اختیارات دفاع ملی در سال ۲۰۰۴، رئیس‌ستاد مشترک نیروهای مسلح به طور قانونی ملزم به تهیه و انتشار سند استراتژی نظامی آمریکا شد. بر طبق این قانون رئیس‌ستاد موظف است در هماهنگی با دیگر اعضای ستاد مشترک و فرماندهی یکپارچه هر دو سال یک‌بار این سند را منتشر کند (Dale, 2008: 5-8).

پس از آنکه دولت ترامپ استراتژی امنیت ملی و

استراتژی دفاع ملی را منتشر کرد، جوزف دانفورد^۶ رئیس‌ستاد مشترک آمریکا دستور داد تا استراتژی ملی نظامی قبلی به‌روزرسانی شود. این سند در سال ۲۰۱۸ تدوین و برای تأیید نهایی به وزیر دفاع و کنگره ارسال شد. استراتژی نظامی ۲۰۱۸ به رویکرد استراتژیک و بحث توسعه و طراحی نیرو آمریکا تأکید دارد.

بر اساس این سند، ظهور مجدد رقابت قدرت‌های بزرگ از سوی چین و روسیه به عنوان دشوارترین چالش‌هایی در نظر گرفته شده است که متوجه نیروی مشترک است. استراتژی نظامی ۲۰۱۸ پنج حوزه مأموریتی «پاسخ به تهدیدات»، «جلوگیری از حمله استراتژیک»، «اطمینان دادن به متحدان و شرکا» و «رقابت پایین‌تر از سطح منازعه مسلحانه» را دربرمی‌گیرد و این استراتژی برآمده از اسناد بالادستی است.

در استراتژی نظامی ۲۰۱۸ تأکید شده است که این استراتژی یک چارچوب استراتژیک فراگیری است که ابزارهای لازم را برای اجرای سیاست‌های برآمده از استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷، استراتژی دفاعی ملی ۲۰۱۸ و اسناد دیگر ارائه می‌دهد. همچنین در این سند تأکید شده است که استراتژی نظامی آمریکا، توصیه‌های نظامی رئیس‌ستاد مشترک را در مورد اینکه چگونه نیروی مشترک، اهداف دفاعی مدنظر استراتژی دفاعی و دستور رئیس‌جمهور را اجرا کند، فراهم می‌کند (United States' NMS, 2018: 1-3).

۱-۴. مکاتب فکری و اولویت‌ها

اسناد راهبردی آمریکا از یک روند تداومی و

6. Joseph Dunford

شکل‌گیری دو سنت جکسونی (سرمشق‌گرای منفعت‌محور) و جفرسونی (سرمشق‌گرای ارزش‌محور) می‌شود و بین‌الملل‌گرایی یا مداخله‌گرا نیز به ایجاد همیلتونیسم (رسالت‌گرای منفعت‌محور) و ویلسونی (رسالت‌گرای ارزش‌محور) اشاره دارد (رضاخواه و آقاحسینی، ۱۳۹۷: ۸۰-۷۹).

سنت جکسونی اعتقاد چندانی به استفاده از دیپلماسی در روابط بین‌الملل ندارد و معتقد به استفاده از قدرت نظامی برای پیشبرد اهداف و مقابله با تهدید است. این سنت همه‌چیز را سیاه و سفید می‌بیند و همیشه نیاز به یک دشمن دارد. تبعیض نسبت به مسلمانان و سیاه‌پوستان و همچنین اقدام مهلک علیه مخالفان از ویژگی‌های این تفکر است.

سنت جفرسونی به عنوان یکی دیگر از سنت‌های انزواگرایی، به عدم دخالت آمریکا در امور کشورهای دیگر و همچنین اجازه ندادن به دخالت دیگران در آمریکا اشاره دارد. جفرسون‌ها به دنبال آن هستند تا آن چیزی را که به طور انحصاری در زندگی آمریکایی ارزشمند هست، به‌ویژه اعتقاد به آزادی و دموکراسی را حفظ کنند. علاوه بر این، سنت جفرسونی، تجارت خارجی را برای تضمین بازارها جهت صادرات محصولات کشاورزی آمریکا و واردات اساسی ضروری می‌داند (مطلبی و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۶۲ و ۱۵۵-۱۵۳).

سنت همیلتونی به عنوان یکی از سنت‌های بین‌الملل‌گرایی، واقع‌گرایی آمریکایی هم نامیده می‌شود. همیلتون‌گرایان بیشتر در مورد منافع ملی و موازنه قدرت صحبت می‌کنند و تجارت عنصر اصلی در این سنت است. حمایت از سرمایه‌گذاران و ایجاد محیطی ایده‌آل برای آن‌ها، صنعتی‌سازی، آزادی دریا و درهای باز جایگاه ویژه‌ای در اندیشه همیلتونی

تکاملی برخوردار هستند. هرچند فروپاشی شوروی، حادثه ۱۱ سپتامبر و اخیراً نیز روی کار آمدن دولت ترامپ باعث شده تغییراتی در اسناد راهبردی این کشور شکل بگیرد، اما این تغییرات، انقلابی نبوده، بلکه به صورت تکاملی بوده است. به طوری که متناسب با شرایط و مقتضیات داخلی و بین‌المللی و در برهه‌های زمانی حساس، مفاهیم و اولویت‌های جدیدی به استراتژی‌های امنیتی، دفاعی و نظامی این کشور اضافه شده است.

در عین حال، این اسناد بر اساس دکترین و مکاتب فکری این کشور تدوین و منتشر شدند و مبتنی بر مفهوم استثناگرایی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل‌دهنده هویت سیاسی آمریکا است. استثناگرایی به رفتار یا نگرش آمریکا اطلاق دارد که خود را برتر از دیگران می‌پندارد و مزایایی برای خود قائل است و همچنین خودش را به عنوان الگو به دیگران معرفی می‌کند. رستاد معتقد است که استثناگرایی آمریکایی یک افسانه قدرتمند، ماندگار و محبوب در طول تاریخ بوده و در گسترش سیاست خارجی استفاده شده است (شریف‌زاده، ۱۳۹۸).

با این حال، مفهوم استثناگرایی به دو نقش متمایز آمریکا در جهان، یکی به نقش رهبری (مداخله‌گرایی) و دیگری به نقش الهام‌بخشی (انزواگرایی) اشاره دارد. به طوری که در نقش اول، آمریکا به عنوان نیرویی است که باید جهان را «بهتر» کند و به اشاعه دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در سرزمین‌هایی که از خوشبختی کمتری برخوردارند، پردازد. نقش الهام‌بخش بودن آمریکا نیز به موقعیت ممتاز آمریکا به عنوان یک سرزمین موعود اشاره دارد که اگر با جهان خارج در ارتباط باشد، آلوده می‌شود.

برداشت انزواگرا از استثناگرایی معمولاً به

دارد. در این اندیشه، استشناگرایی مبتنی بر رهبری اقتصادی آمریکا بر جهان از طریق بازیابی «منافع ملی و غرور ملی» است.

سنت ویلسونی نیز به رساله «صلح پایدار» امانوئل کانت اشاره دارد. بر اساس این سنت، تنها راه جلوگیری از جنگ بزرگ دیگر، انتقال ارزش‌های دموکراتیک به اروپا و گسترش آن در سرتاسر جهان و ایجاد یک جامعه بین‌المللی صلح‌طلب همراه با حاکمیت قانون است. توجه به ارزش‌ها، هنجارها، تعهدات و سازمان‌های بین‌المللی از دیگر موضوعات مورد تأکید این سنت است. چنین دیدگاهی در تطابق با آرمان‌گرایی و در تعارض با واقع‌گرایی قرار دارد (مطلبی و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۵۶) و (کاردان، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۷).

علاوه بر سنت‌های فکری، اولویت‌های استراتژیک آمریکا نیز در جهت‌گیری کلان این کشور مؤثر هستند. اولویت‌های آمریکا در طول تاریخ مبتنی بر مسائل امنیتی، اقتصادی و تمدنی (ارزشی) بوده و در هر دوره با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی اولویت خاصی را مورد توجه قرار داده است. به طوری که در عصر تفوق و ایدئولوژیک، مداخله‌گرایی یا بین‌الملل‌گرایی و اولویت‌های ارزشی در صدر لیست ترجیحات سیاستمداران قرار می‌گیرد، اما در عصر افول و ژئوپلیتیک‌انزواگرایی و اولویت‌های امنیتی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در دستور کار قرار گرفتن، سیاست‌انزواگرایی یا بین‌الملل‌گرایی و اولویت‌های امنیتی، اقتصادی یا ارزشی به حزب حاکم در قدرت (جمهوری‌خواه یا دموکرات) بستگی ندارد. هرکدام از این احزاب بنا بر مقتضیات و شرایط افول یا تفوق یکی از این سیاست‌ها و اولویت‌ها را در دستور کار خود قرار

می‌دهند. به طوری که استراتژی امروز آمریکا نیز با توجه به دیدگاه راهبردی این کشور، مبتنی بر رقابتی بودن جهان و اولویت‌ها امنیتی و اقتصادی و به طور کلی انزواگرایی است (رضاخواه و آقاحسینی، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۲).

۱-۵. ویژگی اسناد راهبردی

اسناد راهبردی آمریکا از یکسری ویژگی‌های مشترکی برخوردارند و ساختار آن‌ها متشکل از عناصر مشابهی است. این اسناد محصول مطالعه از محیط استراتژیک و پاسخ به تهدیدات برای دستیابی به اهداف است و همچنین مبتنی بر سیستمی از مفاهیم تفسیری است که واقعیت‌های موجود در آن زمان و فرهنگ استراتژیک آن کشور را منعکس می‌کند (Finkel, 2020: 5-6).

بنابراین می‌توان گفت که این اسناد استراتژیک از یکسری ویژگی‌های ساختاری مشابهی، فارغ از کشور تدوین‌کننده آن برخوردارند. به طوری که در فرایند تدوین اسناد استراتژیک به ۱. تجزیه و تحلیل وضعیت استراتژیک (چالش و زمینه آن)، ۲. تعیین اهداف مورد نظر، شامل تعریف اهداف سیاسی فراگیر و سپس اهداف خاص مورد نیاز برای دستیابی به آن، ۳. شناسایی یا توسعه ابزارها (منابع و قابلیت‌ها)، ۴. طراحی شیوه‌هایی برای استفاده از ابزارها برای رسیدن به اهداف مورد نظر و ۵. ارزیابی هزینه‌ها و خطرات مرتبط با استراتژی توجه می‌شود (Heffing-ton et al, 2019: 1-4).

در عین حال باید به این نکته توجه داشت، هر چند این اسناد در ظاهر با هم مشابهت‌هایی دارند، اما از نظر محتوایی متفاوت هستند، چراکه این اسناد بنا بر شرایط محیطی و فرهنگی خاص همان کشور تدوین شدند. چنانچه استراتژیست‌ها با توجه به مؤلفه‌های

آمریکا در جدول شماره ۲ قرار می‌گیرند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با ماهیت توصیفی تحلیلی و از نوع روش موردی سعی دارد، اسناد راهبردی آمریکا را بررسی کند. جامعه آماری این تحقیق، اسناد راهبردی منتشرشده آمریکا است. نمونه‌گیری در رویکرد کیفی و در این تحقیق به صورت هدفمند و کامل است تا از این طریق بتوان به پرسش‌های تحقیق پاسخ داد (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)؛ بنابراین در بحث آمریکا، آخرین اسناد راهبردی این کشور همچون «استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷»، «استراتژی دفاعی ملی ۲۰۱۸» و «استراتژی نظامی ملی ۲۰۱۸» بررسی می‌شوند.

برای تحلیل داده‌های کیفی روش‌های گوناگونی وجود دارد که در این بین می‌توان به روش تحلیل محتوا اشاره کرد. چلیسکی تحلیل محتوا را مجموعه‌ای از رویه‌ها برای جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات در یک شکل استاندارد شده می‌داند که در پی جوابگویی به سؤالاتی از نوع چه چیزی است تا اینکه در مورد چرایی باشد (مؤمنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

تحلیل محتوای کیفی اصالت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر می‌کند و عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل کیفی به فراسوی کلمات و یا محتوای عینی متون می‌رود و محتوای آشکار و پنهان را به صورت محتوای آشکار بررسی می‌کند. هرچند رویکرد کمی در تحلیل محتوا، آمار و ارقام تولید می‌کند، اما رویکرد کیفی در تحلیل محتوا به توصیف و تفسیر از موضوع مورد مطالعه می‌پردازد (طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۸۲-۸۱).

مذکور به عدم قطعیت‌های مهم و خاص آن کشور چه در آینده و چه در حال حاضر می‌پردازند و در مورد عواقب بی‌عملی و انجام برخی از اقدامات خاص و همچنین واقعیت‌های موجود و ناشناخته فرضیاتی را ارائه می‌دهند.

از نظر لاین، اسناد استراتژیک سه مقوله ۱. تعیین منافع امنیتی، ۲. شناسایی تهدیدات نسبت به این منافع ۳. تصمیم‌گیری در مورد اینکه چگونه منابع دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی دولت به عنوان ابزاری برای حفاظت از آن منافع به کار گرفته شود را شامل می‌شود (Layne, 1997: 86). پینونیمی و همکارانش نیز معتقدند که این اسناد دو کارکرد عمده هدف‌گذاری و حل مشکلات را بر عهده دارند و ادراکات یا جهان‌بینی هر کشور را در ارتباط با ۱. دیدگاه هر کشور از محیط بین‌الملل، ۲. جایگاه خود بازیگر در آن، ۳. اهداف مرتبط با شکل‌دهی به محیط استراتژیک ۴. سیاست‌های مناسب برای دستیابی به این اهداف را دربر می‌گیرند (Pynnöniemi et al., 2018: 7 & 10).

بنابراین برای بررسی اسناد راهبردی و شناسایی ادراکات و جهان‌بینی (هدف‌گذاری و جهت‌گیری‌ها) آمریکا، باید به مقولات مذکور توجه داشت. به طوری که در بحث هدف‌گذاری باید مقوله «دیدگاه استراتژیک» و «منافع و اهداف» و در بحث جهت‌گیری‌ها نیز باید «تهدیدات»، «بزارها» و «روش‌های به‌کارگیری از ابزار» مورد توجه قرار گیرد. این پنج مقوله برگرفته از ادبیات تحقیق و اسناد راهبردی این بازیگر به همراه زیرمقوله‌های آن از یک طرف کل اسناد راهبردی را پوشش می‌دهند و از طرف دیگر به فهم ادراکات و جهان‌بینی آمریکا کمک می‌کنند. مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های مرتبط برای بررسی اسناد راهبردی و جهان‌بینی

جدول ۲. مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و زیرمقوله‌های فرعی سطح «۲»

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌های فرعی سطح «۲»
دیدگاه استراتژیک	رقابت	مکانی
		موقعیتی
		ایده‌ای
اهداف و منافع	همکاری	دیگر روندهای چالشی
		ضمنی
		نامتقارن
اهداف و منافع	منافع	تمام‌عیار
		حیاتی
		مهم
	اهداف	حاشیه‌ای
		کوتاه‌مدت
		میان‌مدت
تهدیدات	غیرنظامی	بلندمدت
		متعارف
		غیرمتعارف
سایر تهدیدات	غیرنظامی	پایین‌تر از حد متعارف
		طبیعی ارگانیک
		طبیعی غیرارگانیک
سایر تهدیدات	غیرنظامی	انسانی خشونت‌آمیز
		انسانی غیرخشونت‌آمیز

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌های فرعی سطح «۲»
		ارائه
		مذاکره
	دیپلماسی	اجرا
		محدودیت‌های دیپلماتیک
		دیگر اقدامات دیپلماتیک
		ادراک
	اطلاعات	اطلاع‌رسانی
		کنترل
		دیگر اقدامات اطلاعاتی و امنیتی
		اعمال زور
		تهدید به زور
ابزارها	نظامی	آماده‌سازی نیرو
		تقویت توان نظامی
		کمک
		محدودیت در کمک‌ها
		تجارت
	اقتصادی	محدودیت در تجارت
		مالی
		محدودیت مالی
		دیگر اقدامات اقتصادی
		بهداشتی و اجتماعی
	سایر ابزارها	علمی و فناوری
		زیست محیطی

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	زیرمقوله‌های فرعی سطح «۲»
	رویکردها	همساز شدن شکل‌دهی متقاعد کردن توانمندسازی آمادگی ترغیب کردن تعمدپذیری اجبار تسلیم کردن از بین بردن یک‌جانبه دو یا چندجانبه دروغین
روش‌های به‌کارگیری از ابزارها	شیوه‌های اقدام	چندجانبه اشکار پنهان

کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط در داده‌هاست. بدین معنی که محقق با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، آن‌ها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۲).

در رویکرد استقرایی نیز دو شیوه اصلی برای انتخاب مقولات وجود دارد. در شیوه اول محقق با استفاده از مفاهیم هر حوزه عناوینی را به عنوان مقولات در نظر می‌گیرد. مبدأ این مفاهیم، پیشینه تحقیق و دانش نظری است که محقق در ذهن دارد و در طول تحقیق، راهنمای وی خواهد بود. در شیوه

سیوفانگ و شنون رویکردهای تحلیل محتوا را در سه رهیافت تحلیل محتوای متعارف (استقرایی)، هدایت‌شده (قیاسی) و تجمعی (کمی کیفی) قرار می‌دهد. در این تحقیق از رویکرد تحلیل محتوای متعارف استفاده شده است. در واقع استفاده از رویکرد متعارف تحلیل محتوا هنگامی ضرورت می‌یابد که نظریه‌ها و ادبیات تحقیق در مورد یک پدیده محدود باشد و محقق سعی دارد با به‌کارگیری این رویکرد دانش لازم را در حوزه موضوع مد نظر به دست آورد (Hsieh & Shannon, 2005: 1279).

این شیوه تحلیل به دنبال ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. هدف تحقیق استقرایی،

جدول ۳. تحلیل اسناد راهبردی آمریکا

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	موضوعات اصلی و مورد تأکید	درصد فراوانی
دیدگاه استراتژیک	رقابت	موقعیتی (تلاش چین و روسیه برای بهبود مزیت‌های رقابتی خود)	۸۱/۰۰
	همکاری	نامتقارن (اقدامات دیگر کشورها برای مقابله با تهدیدات مشترک)	۱۸/۹۹
منافع و اهداف		بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت	۲۷/۰۵
		بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی	۱۹/۹۵
		توسعه اقتصادی	۱۷/۵۱
		مقابله با تهاجم دشمن	۱۱/۵۲
		سایر اهداف	۲۳/۹۷
تهدیدات	غیرنظامی	انسانی خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز	۴۳/۸۸
	نظامی	پایین‌تر از حد متعارف و غیرمتعارف	۴۲/۴۴
	سایر تهدیدات	فقدان توانمندی‌های آمریکا برای مقابله با تهدیدات	۱۲/۶۶
ابزارها	نظامی	بهبود توان نظامی و اعمال زور	۳۵/۰۳
	دیپلماسی	مذاکره و ارائه	۲۹/۲۶
	اقتصادی	تجارت و اقدامات زیرساختی	۱۸/۱۸
	اطلاعات	ادراک و دیگر اقدامات اطلاعاتی و امنیتی	۱۳/۰۸
	سایر ابزارها	علمی و فناوری	۴/۴۳
رویکردها		آمادگی (نظامی و اطلاعاتی)	۳۱/۴۸
		ترغیب کردن (دیپلماسی)	۱۲/۱۹
		توانمندسازی (نظامی و اقتصادی)	۱۱/۹۷
		شکل‌دهی (دیپلماسی)	۱۰/۱۹
		اجبار (نظامی و اقتصادی)	۱۰/۱۹
روش‌های به‌کارگیری ابزارها		سایر رویکردها	۲۳/۹۸
		یک‌جانبه‌گرایی	۴۳/۰۰
		دو یا چندجانبه‌گرایی دروغین	۲۲/۵۲
شیوه اقدام		چندجانبه‌گرایی	۳۴/۴۷
		آشکار	۸۹/۰۰
		پنهان (اطلاعات و نظامی)	۱۰/۹۲

۳-۱-۲. منافع و اهداف

رقابتی بودن جهان از دیدگاه آمریکا باعث شد تا واشنگتن تمرکز خودش را بر اهداف نظامی، اقتصادی و فناوری و همچنین بهبود توانمندی‌ها خود در این حوزه‌های رقابتی سوق دهد. همچنین وجود چنین رقابت‌های ژئوپلیتیکی و وضعیتی که آمریکا در آن قرار دارد، باعث شد که دولت ترامپ ترویج ارزش‌ها و ایده‌های آمریکایی را کمتر در دستور کار خود قرار دهد. در این سند به اهداف «بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت آمریکا»، «رونق و جوان‌سازی اقتصادی» و «بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی» توجه شده است.

۳-۱-۳. تهدیدات

بررسی استراتژی امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد که سهم تهدیدات غیرنظامی از نوع انسانی خشونت‌آمیز از سوی تروریست‌های داعش، القاعده و جرائم سازمان‌یافته و همچنین تهدیدات بیولوژیکی و شیمیایی با منشأ انسانی بیشترین تهدید را برای آمریکا شکل می‌دهد و ۵۰/۴۵ درصد از داده‌های مربوط به حوزه تهدیدات را به خود اختصاص می‌دهد. تهدید نظامی با تأکید بر تهدید پایین‌تر از حد متعارف با ۳۹/۶۳ درصد داده‌ها در رتبه دوم قرار دارد و بیشتر شامل انجام اقدامات سایبری خرابکارانه از سوی روسیه، ایران و کره شمالی علیه زیرساخت‌ها و مؤسسات آمریکا می‌شود. در نهایت سایر تهدیداتی که در هیچ‌کدام از این مقولات مذکور قرار نگرفتند، ۹/۹۰ درصد از داده‌ها را دربر می‌گیرد.

۳-۱-۴. ابزارها

بررسی‌های استراتژی امنیت ملی آمریکا نشان

دوم، محقق از اصطلاحات و عناوینی که مردم برای نامیدن جهان خود از آن استفاده می‌کنند، بهره می‌برد و در واژه‌ها و اصطلاحات خاص آن سند و متون معنای حقیقی را درمی‌یابد (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

در این تحقیق از شیوه اول استفاده می‌شود و با استفاده از پیشینه تحقیق و مباحث تئوریک، مقولات فراگیر استخراج می‌شوند. در مرحله بعدی، مقولاتی که قرابت بیشتری دارند، زیرمجموعه مقولات عام‌تر قرار می‌گیرند.

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به مقولات فراگیر و فرعی استخراج شده از ادبیات تحقیق و اسناد راهبردی آمریکا و همچنین بر اساس روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری و تحلیل هریک از اسناد راهبردی به صورت جداگانه صورت می‌گیرد.

۳-۱-۱. استراتژی امنیت ملی

۳-۱-۱-۱. دیدگاه استراتژیک

بررسی استراتژی امنیت ملی آمریکا در حوزه دیدگاه استراتژیک نشان می‌دهد که مقوله رقابت با اختصاص ۷۸/۹۰ درصد از داده‌ها به خود، نقش محوری را در دیدگاه استراتژیک آمریکا ایفا می‌کند. به طوری که در این دیدگاه می‌توان تلاش‌های اقتصادی و ثقل برخی از رقبای همچون چین در حوزه تجارت و همچنین رقابت چین و روسیه برای دستیابی به نفوذ سیاسی و به طور کلی بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ و وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی را مشاهده کرد؛ بنابراین آمریکا جهان را بیشتر رقابتی و چالشی می‌بیند.

که تأکید عمده استراتژی امنیت ملی آمریکا به رویکرد آمادگی (۲۶/۸۷ درصد) است. رویکردهای توانمندسازی ۱۲/۱۳ درصد، شکل‌دهی ۱۰/۹۸ درصد، اجبار ۱۰/۶۹ و رویکرد متقاعد کردن ۹/۸۲ درصد در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. رویکرد همساز شدن (۰/۸۶ درصد) کمترین درصد را در رویکرد آمریکا در استفاده از ابزارها برای پیشبرد اهداف و منافع نشان می‌دهد. رویکرد آمادگی در حوزه اطلاعات ۸/۹۵ درصد و رویکردهای متقاعد کردن در حوزه دیپلماسی، ترغیب کردن در حوزه دیپلماسی و از بین بردن در حوزه نظامی هر کدام با اختصاص ۸/۰۹ درصد حوزه‌هایی هستند که بیشترین درصد از کل رویکرد آمریکا را تشکیل می‌دهند.

شیوه اقدام

شیوه اقدام آشکار آمریکا در مورد استفاده از ابزارها برای دستیابی به اهداف به ترتیب مربوط به حوزه دیپلماسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی است. در شیوه اقدام پنهان نیز تمرکز عمده بر حوزه اطلاعاتی بوده و حوزه نظامی درصد ناچیزی به خود اختصاص داده است. یافته‌های حاصل از بررسی استراتژی امنیت ملی نشان می‌دهد که شیوه اقدام آمریکا در مورد یک‌جانبه یا چندجانبه بودن بیشتر متمرکز بر یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی دروغین (۶۷/۷۱ درصد) است و چندجانبه‌گرایی ۳۲/۲۸ درصد را تشکیل می‌دهد.

در مورد آشکار یا پنهان بودن شیوه اقدام آمریکا در استفاده از ابزارها برای دستیابی به اهداف باید گفت که بیشتر تمرکز این سند بر شیوه اقدام آشکار (۹۰/۱۵ درصد) است و شیوه اقدام پنهان ۹/۸۲ درصد را به خود اختصاص داده است. به طوری که در شیوه اقدام پنهان، استفاده از جامعه اطلاعاتی برای دفاع و کاهش تهدیدات در زیر آستانه درگیری آشکار و همکاری

می‌دهد که ابزار دیپلماسی با تأکید بر زیرمقوله فرعی مذاکره، ۳۱/۲۱ درصد از داده‌های مرتبط با حوزه ابزارها را به خود اختصاص داده است. ابزار نظامی نیز با سهم ۲۴/۲۷ درصدی در رتبه دوم قرار دارد و تأکید عمده آن بر بهبود توان نظامی است. ابزار اقتصادی با زیرمقوله فرعی تجارت، ۲۳/۶۹ درصد از ابزارهای آمریکا را برای پیشبرد اهداف نشان می‌دهد. ابزار اطلاعات نیز با تأکید بر ادراک ۱۵/۰۲ درصد از ابزار آمریکا را تشکیل می‌دهد. کمترین سهم ابزار آمریکا مربوط به سایر ابزارها است و ۵/۷۸ درصد از مجموع ابزارها را به خود اختصاص داده است.

از مجموع ابزارهای موجود، ۲۸/۶۱ درصد ابزارها به هدف بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت آمریکا و ۲۲/۸۳ درصد به رونق و جوان‌سازی اقتصادی اختصاص دارد. بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی (۱۰/۱۱ درصد)، مقابله با تهاجم دشمن (۹/۵۳ درصد) و مقابله با تروریسم (۶/۹۳ درصد)، از جمله اهدافی هستند که در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در میان این ابزارها، کمترین آن مربوط به هدف متعادل‌سازی انرژی و محیط زیست (۱/۴۴ درصد) می‌شود.

از مجموع این ابزارها ۶۸/۴۹ درصد به اهداف میان‌مدت (بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت)، ۲۵/۷۲ درصد به اهداف کوتاه‌مدت (مقابله با تهاجم دشمن) و ۶/۰۶ درصد به اهداف بلندمدت (گسترش اقتصاد بازار آزاد و حمایت از ارزش‌های آمریکا) اختصاص دارد.

۳-۱-۵. روش به‌کارگیری از ابزارها

رویکردها

یافته‌های حاصل از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد

۳-۲-۳. تهدیدات

داده‌های حاصل از بررسی استراتژی دفاعی آمریکا نشان می‌دهد که سهم تهدیدات نظامی از نوع تهدید نظامی غیرمتعارف (۵۷/۶۹ درصد) بیشترین داده‌های مربوط به حوزه تهدیدات را به خود اختصاص می‌دهد و عمدتاً به حمایت کره شمالی و ایران از بازیگران غیردولتی و به تلاش قدرت‌های تجدیدنظرطلب و رژیم‌های شورشی به رقابت پایین‌تر از درگیری‌های مسلحانه اشاره دارد. سایر تهدیدات (۲۶/۹۲ درصد) با تأکید بر فقدان توانمندی‌های فعلی آمریکا برای مقابله با تهدیدات در رتبه دوم قرار می‌گیرد. تهدید غیرنظامی از نوع انسانی خشونت‌آمیز ۱۵/۳۸ درصد از داده‌ها را در بر می‌گیرد.

۳-۲-۴. ابزارها

داده‌های حاصل از بررسی استراتژی دفاع ملی آمریکا نشان می‌دهد که ابزار نظامی با تأکید بر زیرمقوله فرعی بهبود توان نظامی، ۶۴/۶۳ درصد از داده‌های مرتبط با حوزه ابزارها را به خود اختصاص می‌دهد. ابزار دیپلماسی از نوع دیپلماسی نظامی با سهم ۲۵/۶۰ درصدی در رتبه دوم قرار دارد و تأکید عمده آن بر زیرمقوله فرعی مذاکره است. ابزار اطلاعات با تأکید بر زیرمقوله ادراک نیز ۹/۵۲ درصد از ابزار آمریکا را تشکیل می‌دهد.

از مجموع ابزارهای موجود، ۴۶/۳۴ به هدف بهبود توان نظامی و همکاری نظامی اختصاص دارد. بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت (۲۴/۳۹ درصد)، مقابله با تهاجم دشمن (۱۹/۵۱ درصد) و مقابله با تروریسم (۷/۳۱ درصد)، از جمله اهدافی هستند که در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار می‌گیرند. در این میان اهدافی همچون «توجه به زیرساخت‌های حیاتی و سایبری» و «گسترش

اطلاعاتی آمریکا با متحدان و شرکا برای مقابله با توانایی بازیگران دولتی و غیردولتی مورد توجه قرار گرفت. همچنین در این شیوه اقدام به قابلیت‌های شناسایی سارقان داده‌ها از طریق جاسوسی و پیش‌بینی تحولات ژئواستراتژیک اشاره شد (جدول شماره ۳).

۳-۲-۲. استراتژی دفاع ملی

۳-۲-۱. دیدگاه استراتژیک

بررسی داده‌ها در حوزه دیدگاه استراتژیک آمریکا نشان می‌دهد که مقوله رقابت با اختصاص ۸۴/۴۴ درصد از داده‌ها به خود نقش محوری در دیدگاه استراتژیک آمریکا دارد. عمده تأکید آمریکا به استفاده روسیه از حق و توطئه تصمیقات اقتصادی، دیپلماسی و امنیتی دیگر کشورها و تلاش چین برای نفوذ و ایجاد نظم مورد نظر در هند پاسفیک از طریق نوسازی ارتش و عملیات نفوذ است؛ بنابراین این سند دفاعی جهان را بیشتر رقابتی می‌بیند و هدف‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های خودش را بر مبنای همین دیدگاه پایه‌گذاری کرده است.

۳-۲-۲. منافع و اهداف

رقابتی بودن جهان از دیدگاه آمریکا باعث شد تا واشنگتن تمرکز خودش را بر اهداف بهبود توانمندی‌های نظامی، فناوری و حفظ موازنه قدرت قرار دهد. تأکیدات این سند همانند استراتژی امنیت ملی بر بازگشت رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تلاش رقبا برای نوسازی زرادخانه‌های تسلیحاتی، از عوامل اصلی توجه بیشتر این کشور به حوزه نظامی و امنیتی بوده است. بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت، مقابله با تهاجم دشمن و مقابله با تروریسم، از جمله اهدافی هستند که به آن توجه شده است.

نیز تمرکز عمده بر حوزه اطلاعاتی است و حوزه نظامی درصد ناچیزی به خود اختصاص داده است. یافته‌های حاصل از بررسی استراتژی دفاع ملی نشان می‌دهد که شیوه اقدام آمریکا در مورد یک‌جانبه یا چندجانبه بودن بیشتر متمرکز بر یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی دروغین (۶۸ درصد) است و چندجانبه‌گرایی ۳۲ درصد را تشکیل می‌دهد.

در مورد آشکار یا پنهان بودن شیوه اقدام آمریکا باید گفت که بیشتر تمرکز این سند بر شیوه اقدام آشکار (۸۴ درصد) و اقدام پنهان ۱۶ درصد را به خود اختصاص داده است. به طوری که در شیوه اقدام پنهان، دفاع از منافع آمریکا در پایین‌تر از سطح منازعات مسلحانه و توسعه روابط اطلاعاتی با کشورهایی آفریقایی برای کشف تهدیدات تروریستی تهدیدکننده منافع آمریکا مورد توجه قرار گرفت. همچنین آمریکا در این شیوه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و درک چگونگی به‌کارگیری رقبا از تدابیر عملیاتی و تکنولوژیکی جدید بر جبهه‌های نبرد توجه دارد.

۳-۳. استراتژی نظامی

۳-۳-۱. دیدگاه استراتژیک

بیشترین تأکید استراتژی نظامی ملی آمریکا بر رقابت موقعیتی (۶۶/۶۶ درصد) است. در این سند، به ظهور مجدد رقابت قدرت بزرگ از سوی چین و روسیه و تلاش رقبا برای دستیابی به فناوری‌های جدید توجه شده است. همچنین در این سند تأکید شد که نظم پساجنگ جهانی دوم در حال ضعیف شدن است. در رقابت ایده‌ای نیز به نبرد حکایت‌ها و روایت‌هایی تأکید شد که رقبا در پی ترویج ایده‌های خودشان هستند. بررسی داده‌ها در حوزه دیدگاه

اقتصاد بازار آزاد و حمایت از ارزش‌های آمریکا» کمترین ابزار را به خود اختصاص دادند. از مجموع این ابزارها، ۷۳/۷۰ درصد به اهداف میان‌مدت (بهبود توان نظامی و همکاری نظامی)، ۲۸/۰۴ درصد به اهداف کوتاه‌مدت (مقابله با تهاجم دشمن) و ۱/۲۱ به اهداف بلندمدت (گسترش اقتصاد بازار آزاد و حمایت از ارزش‌های آمریکا) اختصاص دارد.

۳-۲-۵. روش به‌کارگیری از ابزارها

رویکردها

یافته‌های حاصل از بررسی سند استراتژی دفاع ملی نشان می‌دهد که تأکید عمده آمریکا به رویکرد آمادگی (۴۲/۶۸ درصد) است و رویکردهای توانمندسازی ۱۲/۱۹ درصد، اجبار ۸/۵۳ درصد و رویکردهای ترغیب کردن و متقاعد کردن هرکدام با اختصاص ۷/۳۱ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. رویکرد همساز شدن (۱/۲۱ درصد) کمترین سهم را در بین رویکردهای آمریکا در استفاده از ابزارها دارد. رویکرد آمادگی در حوزه نظامی ۳۵/۳۶ درصد، توانمندسازی نظامی ۱۰/۹۷ درصد، آمادگی اطلاعاتی و ترغیب کردن با استفاده از ابزار دیپلماسی هرکدام با ۷/۳۱ درصد و رویکردهای شکل‌دهی با ابزار دیپلماسی، متقاعد کردن با ابزار دیپلماسی و از بین بردن با ابزار نظامی هرکدام با ۶/۰۹ درصد، حوزه‌هایی هستند که بیشترین درصد از کل رویکرد آمریکا را بر اساس سند استراتژی دفاع ملی تشکیل می‌دهند.

شیوه اقدام

شیوه اقدام آشکار آمریکا در مورد استفاده از ابزارها برای دستیابی به اهداف به ترتیب مربوط به حوزه نظامی و دیپلماسی می‌شود. در شیوه اقدام پنهان

اینکه این سند، استراتژی نظامی آمریکا محسوب می‌شود، تمرکز عمده آن بر ابزار نظامی است و سایر ابزارها در آن جایگاه چندانی ندارند.

از مجموع ابزارهای موجود، ۷۸/۵۷ درصد ابزارها به هدف بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی اختصاص دارد. به اهداف «مقابله با تهاجم دشمن» و «بهبود توانایی و نقش آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت» در رتبه‌های بعدی توجه می‌شود. از مجموع این ابزارها، ۷۷/۷۷ درصد به اهداف میان‌مدت (بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی) و ۲۲/۲۲ درصد به هدف کوتاه‌مدت (مقابله با تهاجم دشمن) اختصاص دارد.

۳-۳-۵. روش به‌کارگیری از ابزارها

رویکردها

بررسی استراتژی نظامی آمریکا نشان می‌دهد که تمرکز عمده این سند در زیرمقوله رویکردها به آمادگی نظامی (۵۰ درصد) است. رویکردهای شکل‌دهی و تسلیم کردن هرکدام با اختصاص ۱۶/۳۳ درصد از کل رویکرد آمریکا در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. رویکرد توانمندسازی ۱۱/۱۱ درصد و رویکرد اجبار ۵/۵۵ درصد در رتبه‌های سوم و چهارم قرار می‌گیرند.

شیوه اقدام

بر اساس سند استراتژی نظامی ملی، شیوه اقدام آشکار آمریکا در مورد استفاده از ابزارها برای دست‌یابی به اهداف به ترتیب مربوط به حوزه نظامی و دیپلماسی می‌شود. در شیوه اقدام پنهان تمرکز روی حوزه نظامی است. یافته‌های حاصل از بررسی استراتژی نظامی ملی آمریکا نشان می‌دهد که شیوه

استراتژیک آمریکا نشان می‌دهد که تأکید سند استراتژی نظامی ملی بر رقابتی بودن جهان است و این مقوله رقابتی نقش غالبی در دیدگاه استراتژیک آمریکا دارد.

۳-۳-۲. منافع و اهداف

رقابتی بودن جهان و ظهور مجدد رقابت قدرت‌های بزرگ که در این سند مورد تأکید قرار گرفت، باعث شد آمریکا مسائل امنیتی و حفظ توان نظامی برای مقابله با تهدیدات احتمالی و حفظ مزیت رقابتی را در دستور کار خود قرار دهد. به همین دلیل به اهداف بلندمدت و ارزشی توجه نشده است.

۳-۳-۳. تهدیدات

سند استراتژی نظامی ملی آمریکا در حوزه تهدیدات نظامی به تهدید غیرمتعارف تسلیحات کشتار جمعی، در تهدیدات غیرنظامی به تهدید انسانی خشونت‌آمیز بازیگران غیردولتی قدرتمند و در سایر تهدیدات نیز به تهدید نسبت به میهن به دلیل فقدان توانمندی‌های لازم اشاره دارد. به طور کلی این سند، بر رئوس کلی تهدیدات مد نظر سند استراتژی دفاع ملی و استراتژی امنیت ملی تأکید داشته و با توجه به حجم کم آن از پرداختن مجدد به جزئیات خودداری کرده است.

۳-۳-۴. ابزارها

داده‌های حاصل از بررسی استراتژی نظامی آمریکا نشان می‌دهد که ابزار نظامی با تأکید بر بهبود توان نظامی، ۸۳/۳۳ درصد از داده‌های مرتبط با ابزارها را به خود اختصاص داده است. ابزار دیگر مورد تأکید این سند، ابزار دیپلماسی (۱۶/۶۶ درصد) است و به سایر ابزارها توجهی نشده است، البته با توجه به

تمرکز آمریکا در ابزارها به «بزار نظامی و دیپلماسی» و در روش‌های به‌کارگیری از ابزارها نیز در رویکرد به «آمادگی و ترغیب کردن» و در شیوه اقدام به «یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی دروغین» (۶۵/۵۲ درصد) و آشکار (۸۹ درصد) است.

جهان‌بینی این کشور بیشتر متمایل به فرهنگ هابزی است و جهان را مبتنی بر رقابت همراه با منازعه می‌بیند. مطابق با بنیان‌های فرهنگ هابزی، کشورها برای دستیابی به مزیت برتر با یکدیگر رقابت می‌کنند و اتحادهای موقتی را برای رسیدن به منافع مشترک شکل می‌دهند. تلقی آمریکا از وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های بزرگ باعث شد تا واکنشگتن رویکرد آمادگی در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، سایبری و فناوری را در دستور کار خودش قرار دهد تا از این طریق بتواند از تهدیدات اقتصادی و نظامی بکاهد.

به همین دلیل اولویت‌بندی منافع آمریکا تحت عنوان «اول آمریکا» در سیاست خارجی و قرار دادن تأکیدات بیشتر بر رقابت به جای همکاری توجه شد؛ بنابراین تأکید بر سیاست مبتنی بر نخست آمریکا، حمایت‌گرایی اقتصادی، بی‌توجهی به نهادها و توافق‌نامه‌ها و عقب‌نشینی از مسئولیت‌های بین‌المللی، نشان از تسلط واقع‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا دارد.

به طور کلی می‌توان گفت که جهت‌گیری کلان دولت آمریکا مبتنی بر نظریه رئالیسم تهاجمی مرشایمر است، چراکه آمریکا به دنبال یافتن سطحی از قدرت نیست، بلکه به دنبال کسب امنیت مطلق است و به همین دلیل سعی در بیشینه‌سازی قدرت خود دارد. تحریم‌ها علیه ایران، خروج از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیز رویکرد رئالیسم

اقدام آمریکا در مورد یک‌جانبه یا چندجانبه بودن بیشتر متمرکز بر یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی دروغین (۶۶/۶۶ درصد) است و چندجانبه‌گرایی (۳۳/۳۳ درصد) را تشکیل می‌دهد.

در مورد آشکار با پنهان بودن شیوه اقدام آمریکا در استفاده از ابزارها برای دستیابی به اهداف باید گفت که بیشتر تمرکز این سند بر شیوه اقدام آشکار (۸۸/۸۸ درصد) است و شیوه اقدام پنهان (۱۱/۱۱ درصد) را به خود اختصاص داده است. به طوری که در شیوه اقدام پنهان، به انجام رقابت (اقدامات پنهانی) پایین‌تر از سطح منازعه مسلحانه توجه شد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی اسناد راهبردی آمریکا نشان می‌دهد که واکنشگتن جهان را به شدت «رقابتی» و متفاوت از دهه‌های گذشته می‌بیند و به تقلب چین در حوزه تجارت، تلاش چین و روسیه برای دستیابی به حوزه نفوذ سیاسی و فناوری‌های جدید و همچنین برنامه مدرن‌سازی نظامی رقبا تأکید دارد. تمرکز آمریکا در اهداف بر «بهبود توانایی و نقش‌آفرینی دیپلماتیک با تأکید بر تسهیم بار مسئولیت»، «بهبود توان نظامی و همکاری‌های نظامی» و «توسعه اقتصادی» است.

آمریکا در تهدیدات به تهدید «نظامی پایین‌تر از حد متعارف» همچون اقدامات سایبری خرابکارانه از سوی روسیه، ایران و کره شمالی و استفاده محدود نظامی و نقض حقوق بین‌الملل از سوی رقبا و به تهدید «غیرنظامی خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز» همچون تروریست‌های داعش، القاعده و دیگر سازمان‌های غیردولتی، جرائم سازمان‌یافته و تهدیدات بیولوژیکی و شیمیایی با منشأ انسانی و همچنین افزایش مالیات، بیمه‌های درمانی، سرقت اطلاعات و دزدیده شدن مالکیت معنوی اشاره دارد.

است. به طوری که اعتقاد چندانی به استفاده از ابزار دیپلماسی در روابط خارجی ندارد و تأکید عمده آن بر غلبه به معنی پیروزی مطلق بر رقیب یا شکست مطلق رقیب است. همچنین صبغه‌هایی از سنت همیلتونیسم به معنای واقع‌گرایی تجاری نیز در آن وجود دارد. مطابق با این سنت، آمریکا در حوزه اقتصادی حمایت‌گرایی، وضع تعرفه‌ها و محدودسازی واردات را در پیش گرفته است.

۴-۱. پیشنهادها

۱. نیروهای مسلح ایران برای مقابله با تهدیدات باید به اتحاد ضمنی و آشکار با دیگر کشورها علیه کشور یا ائتلاف دشمن توجه داشته باشند. به طوری که ایران می‌تواند موازنه قدرت و اتحاد با کشورهای هم‌اندیش و قوی همچون روسیه و چین را برای افزایش تعداد رزمایش‌های نظامی جهت نمایش قدرت و همسویی دیدگاه‌ها به منظور ایجاد بازدارندگی و مقابله با تهدید آمریکا در دستور کار خود قرار دهد.

۲. نیروهای مسلح در کنار تلاش برای موازنه قدرت، باید به موازنه تهدید نیز توجه داشته باشد که این امر با توسعه توانمندی‌ها و اقدامات متقارن و نامتقارن در منطقه خاکستری و در عین حال جلوگیری از تشدید تنش‌ها تا آستانه درگیری‌های نظامی ممکن می‌شود. نتیجه این اقدامات جلوگیری از شکل‌گیری جنگ متقارن خواهد بود.

۳. نیروهای مسلح باید پاسخ مناسبی را به خرابکاری‌های آمریکا بدهد تا انفعال ایران در برابر این کشور منجر به ایجاد این ذهنیت نشود که واشنگتن در قبال اقدامات خود از مجازات مصون است. این نکته را باید توجه داشت که پاسخ به تحرکات و تهدیدات باید مبتنی بر اصل ضرورت و

تهاجمی ترامپ را نشان می‌دهد. در واقع این دولت سعی دارد با «رویکردهای اجبار و ترغیب‌سازی» رفتار کشورهای دیگر را تغییر دهد.

اجبار مبتنی بر اعمال زور از نوع تحریم‌های اقتصادی و اعمال تعرفه‌های نیز می‌تواند در این بعد مورد توجه قرار گیرد. همچنین این نکته را باید خاطرنشان کرد که سیاست‌های ترامپ مبتنی بر حفظ وضع موجود با استفاده از رویکرد اجبار (بازدارندگی) نیست، بلکه این کشور سعی دارد با رویکرد اجبار از نوع تحریم‌ها و سیاست هویج و چماق، شرایط موجود را به سمت وضعیت مطلوب خود سوق دهد.

شیوه اقدام آمریکا مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی، اولویت بودن موضوعات امنیتی و اقتصادی و انزواگرایی است. هرچند که انزواگرایی و یک‌جانبه‌گرایی یکسان نیستند، اما رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. رویکرد انزواگرایی را می‌توان به عنوان یکی از راهبرد کلان در نقش استثنای سیاست خارجی آمریکا مشاهده کرد.

نکته حائز اهمیت آن است که مفهوم انزواگرایی آمریکا به معنای انفعال و قطع رابطه کامل با جهان نیست و از نظر دولت ترامپ تعهدات سیاست خارجی آمریکا غیرضروری است و باید به صورت گزینشی و متناسب با اهداف آمریکا عمل شود. به همین دلیل آمریکا علاوه بر بی‌اعتبار خواندن تعهدات و سازمان‌های بین‌المللی، باز هم سعی دارد به هدایت این سازمان‌ها برای حمایت از منافع و اصول خود ادامه دهد و هرگونه واگذاری این نهادها را به نفع رقبای خود می‌داند.

بنابراین می‌توان گفت سیاست‌های آمریکا بیشتر متمایل به سنت جکسونیسم و متکی به ابزار نظامی

دهد. هرچند ایران می‌تواند از رقابت چین و روسیه با آمریکا استفاده کند، اما این دو بنا بر فرض منافع دائمی به جای متحدان دائمی حاضر نیستند به خاطر ایران، تحریم‌های آمریکا را تحمل کنند.

ثانیاً، ایران باید هوشیار باشد که کاهش تعهدات نباید ذهنیت هسته‌ای شدن را ایجاد کند، چراکه امکان حمله نظامی و سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی کشور در زمان حضور دموکرات‌ها (به خاطر عدم تمایل آن به حفظ برجام محدود) و جمهوری خواهان (کمک به فشار حداکثری) وجود دارد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

پیشنهاد موضوع پژوهش و نظارت بر اجرای هر قسمت آن: دکتر مجید یوسفی؛ تدوین و اجرای پژوهش در بحث مفهوم‌سازی، تحقیق و بررسی، منابع، روش‌شناسی و ویراستاری: رحمان حبیبی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

تناسب باشد تا اقدام نیروهای مسلح تهاجمی تلقی نشده و بی‌دلیل تنش‌ها را افزایش ندهد.

۴. نیروهای مسلح در حوزه اطلاعاتی باید به ارائه ضدرویات‌هایی در قبال آمریکا توجه داشته باشد. به طوری که فرماندهان نظامی در گفت‌وگو با همتایان خارجی و مصاحبه‌های خود می‌توانند همواره به سیاست دوگانه آمریکا نسبت به تروریست‌ها با توجه به اظهارات هیلاری کلینتون و سیاست ثبات‌زای ایران در مقایسه با سیاست ثبات‌زدای آمریکا در منطقه توجه کنند. این امر ضمن هزینه کم می‌تواند در پیشبرد بازدارندگی ایران هم مؤثر باشد.

۵. برای تقویت راهبرد ضددسترسی و منع منطقه‌ای^۷ که بخشی از راهبرد بازدارندگی ایران است، ضروری است که نیروهای مسلح طراحی و توسعه انواع شناورها و قایق‌های تندرو، پهبادهایی برای شناسایی بر فراز مرزهای آبی و خاکی کشور، موشک‌های ضدکشتی و همچنین طراحی و توسعه سامانه‌های پدافندی را در دستور کار خود قرار دهد.

۶. با توجه به جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران که در قالب منطقه خاکستری (منارعه پایین‌تر از سطح مسلحانه) قرار می‌گیرد، ضروری است که ایران بحث خنثی کردن تحریم‌ها و مقاوم‌سازی اقتصادی ملی را در دستور کار خود قرار دهد. در بحث خنثی کردن تحریم‌ها، ایران می‌تواند از رقابت چین و روسیه با آمریکا استفاده کرده و انعقاد پیمان‌های پولی و بانکی را در دستور کار خود قرار دهد.

۷. اقدام ایران برای وادار کردن طرف‌های برجام به انجام تعهدات نباید به قدری سخت‌گیرانه باشد که باعث شود چین و روسیه را به سمت آمریکا سوق

7. Anti-Access and Area Denial

منابع فارسی

- تبریزی، م. (۳۹۳۱). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۱ (۴۶)، ۵۰۱-۸۳۱.
- جهانیان، ش. و اسلامی، س. (۹۹۳۱). بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۳۲ (۷۸)، ۳۵۱-۸۷۱.
- رضاخواه، ع. ر. و آقاسینی، ع. ر. (۷۹۳۱). گونه‌شناسی قدرت نرم آمریکا با تأکید بر مؤلفه استثنانگرایی آمریکایی. دو فصلنامه پژوهشی قدرت نرم، ۸ (۲)، ۸۹-۹۶.
- شریف‌زاده، ز. (۸۹۳۱). استثنانگرایی در سیاست خارجی. طیبی ابوالحسنی، ا. ح. (۸۹۳۱). درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی. سیاست‌نامه علم و فناوری، ۰۹ (۲)، ۶۷-۹۶.
- کاردان، ع. (۰۹۳۱). کتاب آمریکا (۰۱) (ویژه بررسی اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد). تهران: ابرار معاصر تهران.
- مطلبی، م. و فلاح نژاد، ع. (۲۹۳۱). هویت‌های سیاست خارجی آمریکا و دولت باراک اوباما. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۵ (۷۱)، ۶۷۱-۵۴۱.
- مؤمنی راد، ا.، علی‌آبادی، خ.، فردانش، ه. و مزینی، ن. (۲۹۳۱). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۴ (۴۱)، ۲۲۲-۷۸۱.

References

- Department of Defense. (2018). Summary of the National Defense Strategy of the United States of America. Retrived from: https://nssarchive.us/wp-content/uploads/2020/04/2018_NDS.pdf
- The Joint Chiefs of Staff. (2018). *National Military Strategy 2018*. Washington: The Joint Staff. https://nssarchive.us/wp-content/uploads/2020/04/UNCLASS_2018_National_Military_Strategy_Description-1.pdf
- National Security Strategy. (2017). National Security Strategy of the United States of America. Retrived from: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
- Cancian, M., Schaus, J., & Dalton, M. (2017). Formulating national security strategy: Past experience and future choices. Washington, D.C: Center for Strategic and International Studies (CSIS). https://www.google.com/books/edition/Formulating_National_Security_Strategy/D0GTswEACAAJ?hl=en
- Dale, C. (2008). National security strategy: Legislative mandates, execution to date, and considerations for congress. Washington DC: Congressional Research Service. https://www.everycrsreport.com/files/20080923_RL34505_8d-f73677803f451693f513d676ba9ed259016ad.pdf
- Congressional Research Service. (2013). National security strategy: Mandates, execution to date, and issues for congress. Washington DC: Congressional Research Service. https://www.everycrsreport.com/files/20130806_R43174_492d2b2757364eac05e879c0f0ef2e153e-f9ac64.pdf
- Encina, C. G. (2018). The Trump administration's national security strategy. Madrid: The Elcano Royal Institute. http://www.realinstitutoelcano.org/wps/portal/rielcano_en/contenido?WCM_GLOBAL_CONTEXT=/elcano/elcano_in/zonas_in/usa-transatlantic+dialogue/wp14-2018-garciaencina-trump-administration-national-security-strategy
- Finkel, M. (2020). IDF strategy documents, 2002-2018: On processes, chiefs of staff, and the IDF. *A Multi-disciplinary Journal on National Security*, 23(4), 4-17. https://www.researchgate.net/profile/Strategic-Assessment/publication/346080614_Strategic_Assessment_-_No_4_Volume_23_October_2020/links/5fba3e0a92851c933f4e013b/Strategic-Assessment-No-4-Volume-23-October-2020.pdf#page=5
- Oler, A., Tretler, D., & Heffington, S. (2019). A national security strategy primer. Washington, D.C: National Defense University Press. https://www.google.com/books/edition/A_National_Security_Strategy_Primer/pBd7zQEACAAJ?hl=en
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288. [DOI:10.1177/1049732305276687]
- Layne, C. (1997). From preponderance to offshore balancing: America's future grand strategy in international security. *International Security*, 22(1), 86-124. [DOI:10.2307/2539331]
- Raik, K., Aaltola, M., Kallio, J., & Pynnöniemi, K. (2018). The security strategies of the US, China, Russia and the EU: Living in different worlds. Helsinki: Finnish Institute of International Affairs. https://www.fii.fi/wp-content/uploads/2018/06/fiia_report56_web_security-strategies.pdf
- Tabrizi, M. (2014). [Qualitative content analysis from the perspective of deductive and inductive approaches (Persian)]. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 21(64), 105-138. [DOI:10.22054/QJSS.2014.344]
- National Defense Strategy Commission. (2018). Providing for the common defense: The assessment and recommendations of the National Defense Strategy Commission. Washington, D.C: United States Institute of Peace. <https://www.usip.org/publications/2018/11/providing-common-defense>
- Waltz, K. N. (1979). Theory of international politics. New York: Random House. https://www.google.com/books/edition/Theory_of_International_Politics/Ey25AAAAIAAJ?hl=en
- Jahanian, S., & Eslami, S. (2020). [A review of US national security strategies in the 21st Century (with emphasis on the Trump administration) (Persian)]. *Strategic Studies Quarterly*, 23(87), 153-178. http://quarterly.risstudies.org/article_110723.html?lang=fa
- Rezakhah, A. R., & Aghahosseini, A. R. (2019). [Typology of the US soft power with an emphasis on "American exceptionalism" (Persian)]. *Soft power Studies*, 8(2), 69-98. http://www.spba.ir/article_99338.html?lang=fa

- Sharifzadeh, Z. (2019). [Exceptionalism in foreign policy (Persian)]. Retrieved from: <http://iirjournal.net/fa/%D9%85%D9%81%D8%A7%D9%87%D-B%8C%D%8C.html>
- Tayebi Abolhasani, A. H. (2019). [Introduction to research methodology: Standard procedures for qualitative data analysis (Persian)]. *Journal of Science and Technology Policy Letters*, 09(2), 67-96. [DOI:20.1001.1.24767220.1398.09.2.5.1]
- Kardan, A. (2011). [Book of America (10) (special review of US national security strategy documents after the Cold War) (Persian)]. Tehran: Abrare-Moaser. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2320101&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Motallebi, M., & Fallahnejad, A. (2013). [United States foreign policy identities and Barak Obama Administration (Persian)]. *Political and International Scientific and Research Quarterly*, 5(17), 145-176. http://pir.iaush.ac.ir/article_552258.html?lang=en
- Momeni Rad, A., Aliabadi, K., Faardanesh, H., & Mazini, N. (2013). [Qualitative content analysis in research tradition: Nature, stages and validity of the results (Persian)]. *Quarterly of Educational Measurement*, 4(14), 187-222. https://jem.atu.ac.ir/article_92.html?lang=en